



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

بررسی رویکردهای تحلیل و نقد ادبی در حوزه ادبیات کودکان در ایران دهه ۸۰

از

سمیه خادمی گورابزرمخی

استاد راهنما

دکتر احمد رضی

استاد مشاور

دکتر علی تسلیمی

شهریور ۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

پدرم به پاس تمام زحمات و حمایت‌های بی دریغش

مادر همیشه مهربانم، بخاطر تمام چشم‌انتظاری‌ها و دل‌نگرانی‌های مادرانه‌اش. مهربان مادری که نیست تا شاهد چنین روزی باشد ...

تقدیر و تشکر

با درود و سپاس فراوان از زحمات استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر احمد رضی که در تمامی مراحل اجرای پایان‌نامه خالصانه و بی‌دریغ وقت خود را در اختیار من قرار دادند. با تشکر و قدردانی از جناب آقای دکتر علی تسلیمی که زحمت مشاوره این پایان‌نامه را بر عهده داشته‌اند. همچنین، با تشکر فراوان از استادان گرانقدر و بزرگوار جناب آقای دکتر محمدعلی خزانه دارلو و جناب آقای دکتر عباس خائفی که داوری پایان‌نامه را تقبل نمودند. در پایان نیز از تمامی استادان گرانقدر دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به‌ویژه استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، که شش سال و اندی افتخار شاگردی‌شان را داشته‌ام، سپاسگزارم.

بررسی رویکردهای تحلیل و نقد ادبی در حوزه ادبیات کودکان در ایران دهه ۸۰
خادمی

ادبیات کودک یکی از ژانرهای مهم در دوره معاصر به شمار می‌رود، به طوری که توجه پژوهشگران رشته‌های گوناگون مانند ادبیات، فلسفه، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، کتابداری و ... را به خود جلب کرده است. بخشی از پژوهش‌های منتشر شده درباره ادبیات کودک، به نقد ادبی اختصاص دارد که در دهه هشتاد رونق بیشتری پیدا کرده است.

این پایان‌نامه بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی آثار علمی منتشر شده در زمینه نقد ادبی با موضوع ادبیات کودک را در دهه هشتاد شناسایی و طبقه‌بندی کند و نقاط ضعف و قوت آنها را بشناساند.

یافته‌های پژوهش نشان داد، که گرایش مسلط در عرصه نقد ادبیات کودکان، همچنان با رویکرد محتواگرایی است، نقد محتوایی با گرایش دینی - اخلاقی بیشترین تعداد را در بین انواع نقد به خود اختصاص داده است. از معضلات عمده نقد و نظریه ادبی در زمینه ادبیات کودکان رواج نقدهای سطحی، فقدان روشمندی، گرایش به احساس‌گرایی، ایدئولوژیک شدن نقد، کژخوانی نظریه‌ها، مدل‌سازی مکانیکی، تقلیل‌گرایی و ... است.

واژه‌های کلیدی: پژوهش ادبی، ادبیات کودکان، نقد ادبی.

Abstract

A Study of Analysis and Literary Criticism Approaches in the Field of Iranian Childrens' Literature.

Khademi

Children literature is considered as one of the important disciplines in the contemporary period, so that it has attracted of various fields's researchers like: philosophy, literature, educational sciences, psychology, sociology, librarianship and etc. Some part of published researchers about Children literature is allocated to literary criticism that mostly has grown in 1990's.

This thesis aims to classify published scientific works about literary criticism of Children literature by means of descriptive – analytical method and recognizes their strengths and weaknesses.

The research's findings that experienced tendency in the field of Children literature's criticism is still with content – based attitude and content criticism with moral - religious attitude has allocated the most number to itself. One of the major problems of literary criticism and theory-making in this field is the prevalence of shallow criticism, lack of methodology, tendency to feelings, wrong reading of theories, mechanical modeling, attitude to less valuable matters and so on ...

Key words: literary research, Children literature, literary criticism.

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
د	چکیده فارسی
ه	چکیده انگلیسی
	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱. بیان مسئله تحقیق
۲	۲-۱. پرسش‌های تحقیق
۳	۳-۱. فرضیات تحقیق
۳	۴-۱. پیشینه تحقیق
۴	۵-۱. روش تحقیق
۴	۶-۱. تاریخچه نقد ادبیات کودک در ایران از دهه ۴۰ تا دهه ۷۰
۱۰	۷-۱. کانون‌های تولید و نقد ادبیات کودک در ایران
۱۰	۱-۷-۱. نهادها و سازمان‌ها
۱۰	۱-۱-۷-۱. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۱۱	۲-۱-۷-۱. شورای کتاب کودک
۱۲	۳-۱-۷-۱. انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان
۱۲	۴-۱-۷-۱. انجمن تصویرگران کتاب کودک
۱۲	۵-۱-۷-۱. خانه ترجمه کودکان و نوجوانان
۱۲	۶-۱-۷-۱. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان
۱۳	۷-۱-۷-۱. خانه کتاب
۱۳	۲-۷-۱. نشریات
۱۳	۱-۲-۷-۱. مطالعات ادبیات کودک
۱۳	۲-۲-۷-۱. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان

۱۴ کتاب ماه کودک و نوجوان ۳-۲-۷-۱
۱۴ روشنان ۴-۲-۷-۱
۱۴ پایگاه‌های اینترنتی، سایت‌ها و وب سایت‌ها ۳-۷-۱
۱۴ سایت اختصاصی «هنوز» در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان
۱۴ وب سایت اختصاصی دارا و سارا
۱۵ بانک اطلاعات فرهنگ و ادبیات کودکان ایران
۱۵ ایرانک
۱۵ پژوهشنامه
۱۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۱۶ همایش‌ها ۴-۷-۱
۱۶ همایش ادبیات کودک و نوجوان در دانشگاه بیرجند
۱۶ همایش ادبیات کودک و نوجوان در دانشگاه شیراز
۱۷ همایش سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران
۱۷ همایش‌های ملی پژوهش‌های ادبی
۱۷ ۵-۱۰-۱ ششمین جشنواره سراسری ادبیات کودک و نوجوان رضوی
۱۸ شخصیت‌ها ۵-۷-۱
۲۰ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ۶-۷-۱
۲۰ ۱-۶-۷-۱ مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
۲۱ ۲-۶-۷-۱ پایان‌نامه‌های تحصیلی درباره ادبیات کودک
۲۳ ۳-۶-۷-۱ درس‌های ادبیات کودک در رشته‌های دانشگاهی

فصل دوم: آثار نظری درباره نقد ادبیات کودکان در دهه ۸۰

۲۶ ۱-۲ کتاب‌ها
۲۶ ۱-۱-۲ آثار تألیفی

۳۲ آثار ترجمه‌ای ۲-۱-۲
۳۴ مقالات ۲-۲
 آثار تألیفی ۱-۲-۲
 آثار ترجمه‌ای ۲-۲-۲
فصل سوم: نقد عملی متون ادبیات کودکان در دهه ۸۰	
۵۰ نقد روایت‌شناسی ۱-۳
۶۱ نقد فمینیستی ۲-۳
۶۹ نقد اخلاقی ۳-۳
۷۵ تصویرپردازی کتاب کودک ۴-۳
۸۳ نقد روان‌شناسانه ۵-۳
۹۲ نقد جامعه‌شناسانه ۶-۳
۹۹ سایر نقدهای ادبی ۷-۳
۱۲۱ فصل چهارم: جمع بندی مطالب، نتیجه گیری، پیشنهادها
۱۲۸ فهرست منابع و مآخذ

فهرست جداول

۳۳ جدول شماره ۱ : کتاب‌های منتشر شده درباره ادبیات کودکان در دهه ۸۰
۳۷ جدول شماره ۲ : مقالات منتشر شده درباره ادبیات کودکان در دهه ۸۰
۶۸ جدول شماره ۳ : مقوله جنسیت در ادبیات کودک
۱۱۸ جدول شماره ۴ : نقدهای منتشر شده درباره ادبیات کودکان در دهه ۸۰

فصل اول

کلیات

ادبیات کودک به گروهی از آثار ادبی گفته می‌شود که هستی آنها کاملاً به روابط فرضی‌شان با مخاطبی ویژه - یعنی کودک - وابسته است. به عبارتی دیگر، ادبیات کودک شامل مجموعه نوشته‌ها، سروده‌ها و گفتارهایی است که با چارچوب و طرح مشخصی برای کودکان آفریده شده باشد، به طوری که کودک با آن ارتباط برقرار کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدیدآمدن لذت زیباشناختی شود، تأثیرات خاص روحی و روانی بر کودک بگذارد و سبب رشد شناخت او گردد. عرصه پژوهش درباره ادبیات کودک بسیار گسترده است، به طوری که توجه محققان رشته‌های گوناگون از جمله: زبان‌شناسی، ادبیات، فلسفه، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، کتابداری و ... را به خود جلب کرده است. نقد ادبیات کودکان نیز در کانون توجه برخی از پژوهشگران ادبی بوده و در دهه اخیر رشد چشمگیری یافته است. نقد در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، با توجه به جمعیت چندین میلیونی مخاطبان آن و اوقات فراغت فراوانی که در اختیار آنان است بیشتر از نقد ادبیات بزرگسالان اهمیت و ضرورت دارد، زیرا آنان به اقتضای شرایط سنی خود معمولاً، احساساتی، ظاهربین، ساده دل، پاک و بسیار اثرپذیر هستند؛ مهارت تفسیر و تحلیل ندارند و آثار سره را از ناسره باز نمی‌شناسند. بنابراین، نقد درست و روشمند، در شناسایی و جداسازی ادبیات راستین کودک و نوجوان از ادبیات کودکانه‌نما، از اهمیت فراوانی برخوردار است. هدف از این پژوهش، نقد و بررسی رویکردهای نقد ادبیات فارسی کودکان در دهه هشتاد، طبقه‌بندی آنها - ست. تا بتوان ضمن نشان دادن سهم هر رویکرد در تحقیقات مربوط به ادبیات کودکان نقاط ضعف و قوت آنها را مشخص کرد و خلأهای مطالعاتی در این حوزه را شناسایی و معرفی نمود و پیشنهادهایی برای ارتقای سطح نقد متون در این حوزه ارائه داد. این پژوهش تلاش دارد تا رویکردهای تحلیل و نقد ادبی را در حوزه ادبیات کودکان در ایران مورد بررسی قرار دهد.

این پژوهش در صدد است تا با کنار هم نهادن رویکردهای مختلف نقد ادبی در حوزه ادبیات کودک و بررسی مواضع اختلاف و اشتراک رهیافت‌ها و برشمردن کاستی‌های موجود پیشنهادهایی را برای بهبود رویکردهای نقد ادبی ارائه دهد.

۲-۱. پرسش‌های تحقیق

- ۱ - نقد ادبی در حوزه ادبیات کودک از چه خصوصیتی برخوردار است؟
- ۲ - مهمترین رویکردهای نقد ادبی در حوزه ادبیات کودک چیست؟
- ۳ - کدام رویکردهای نقد ادبی در دهه هشتاد بیشتر مورد توجه منتقدان قرار گرفته است؟
- ۴ - مهمترین نقاط ضعف نقد ادبیات کودک در دهه هشتاد کدامند؟
- ۵ - مهمترین موانع رشد نقد ادبیات کودکان در ایران چیست؟

۳-۱. فرضیات تحقیق

۱- تعامل بین دنیای بزرگسالی و کودکی؛ میان رشته‌ای بودن و نگاه چند رسانه‌ای از ویژگی‌های نقد ادبی در حوزه ادبیات کودک است.

۲- گونه‌های مختلف نقد ادبی در حوزه ادبیات کودکان دیده می‌شود از جمله: نقدهای اخلاقی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فیمینیستی و فرمالیستی و

۳- نقد ادبیات کودکان در دهه هشتاد بیش از همه نقد محتوایی با گرایش اخلاقی - تربیتی بوده است.

۴- بارزترین نقطه ضعف نقد ادبیات کودک، کمبود نقد روشمند و علمی و رواج نقدهای سطحی است. عوامل گوناگونی در کاهش کیفیت نقد ادبیات کودکان در ایران نقش دارند که مهم‌ترین آنها کم‌توجهی به میان رشته‌ای بودن ادبیات کودکان است که محصول چند پاره دیدن اجزای شکل‌دهنده این نوع ادبیات (متن، تصویر، گوینده) است.

۵- تلقی نادرست از ادبیات کودکان، عدم تجهیز منتقدان به روش‌های نقد ادبی و رویکردهای مختلف آن، نوع ساختار اندیشه منتقدان و نقادی براساس دیدگاه‌ها و تمایلات نهاد‌های رسمی و دولتی از مهم‌ترین موانع رشد نقد ادبیات کودکان در ایران است.

۴-۱. پیشینه تحقیق

خسرو آقایی در کتاب «آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان و معیارهای نقد و بررسی کتاب»، از آموزش نقد به مبتدیان و یا مربیان بحث کرده است، خسرو نژاد در «دیگرخوانی‌های ناگزیر» مقالات کلیدی مرتبط با رویکردهای نقد و نظریه ادبیات کودک را با همکاری گروهی از مترجمان، ترجمه و منتشر کرده است.

علی کاشفی در «گزارش تحلیلی نقد ادبیات کودک و نوجوان بین سال‌های ۵۸ تا ۷۷» پیشینه نقد ادبیات کودک را مطالعه و بررسی کرده است. مهدی حجوانی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی سیر نقد ادبیات کودک و نوجوان در ایران» با نگاهی آسیب‌شناسانه به قالب‌های نقد، ضمن مروری کلی بر جریان نقد ادبیات کودک و نوجوان در ایران از مشروطه تاکنون (۱۳۸۹) نتیجه گرفته است که این جریان هرچند رو به رشد بوده؛ اما بیشتر بر دو قالب ویژه تأکید داشته است: نخست، ارائه فهرست کتاب‌های مناسب و دوم، نقدهای مفصل و تخصصی. «تبارشناسی پژوهش‌های ادبیات کودکان از منظر روش شناختی» عنوان مقاله‌ای از لیلا مکتبی فرد است که اشاره‌ای نیز به نقد و ادبیات کودکان داشته است.

همچنین مرتضی کوبی در مقاله‌ای با عنوان «نقد ظاهری و ارتباط آن با نقد محتوایی در ادبیات کودکان» معیارهایی را در مورد چگونگی نقد ظاهری و محتوایی کتاب‌های کودکان ارائه داده است، ناهید محمد بیگی نیز در کتاب «رازکاو ادبیات کودک و نوجوان» به تحلیل محتوایی کتاب‌های ادبی کودک و نوجوان از سال ۱۳۰۰ هجری خورشیدی تا ۱۳۸۵ هجری

خورشیدی پرداخته و در آن اشاره کوتاهی به نقد ادبی داشته است؛ اما تاکنون در زمینه بررسی همه‌جانبه رویکردهای گوناگون نقد ادبیات کودکان در ایران دهه هشتاد پژوهشی منتشر نشده است.

۵-۱. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکردی انتقادی است. پس از گردآوری مآخذ و منابع موجود در حوزه ادبیات کودکان و مطالعه آنها، مطالب مورد نیاز، یادداشت برداری و با توجه به اهداف تحقیق، طبقه‌بندی رویکردهای تحلیل و نقد ادبی انجام می‌شود. مآخذ و منابع بررسی شده شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها است.

۶-۱. تاریخچه نقد ادبیات کودک در ایران از دهه ۴۰ - ۷۰

ادبیات کودک، در جایگاه یک گونه مستقل ادبی در کشور ایران پیشینه‌ای طولانی ندارد و عمر واقعی آن به یک سده هم نمی‌رسد؛ اما در همین زمان کوتاه - به ویژه در چند دهه گذشته - آثار ارزش‌مندی، در شاخه‌های مختلف پدید آمده است که شایسته بازشناسی و واکاوی می‌باشد. در عین حال نظریه‌پردازی و نقد ادبی مجزا در حوزه ادبیات کودک، بسیار تازه‌تر و جوان‌تر است.

امروزه نقد ادبی نمی‌تواند از نظریه جدا باشد و نظریه نمی‌تواند از شناخت عام جهان چه از نظر فلسفی و چه از نظر شناخت‌شناسی منفک شود، از سوی دیگر، در دهه اخیر بیش از پیش امور نظری و تحلیلی بینارشته‌ای شده و تخصص‌گرایی اثبات‌گرایانه بیش از پیش تنگناها و محدودیت‌های خود را آشکار کرده است. از این رو، امروزه متخصص و کارشناس در یک رشته به مفهوم دقیق کلمه، کسی است که علاوه بر آنکه در رشته خود از آخرین دستاوردهای نظری آگاه است، به حد کفایت از سایر رشته‌های نظری وابسته نیز مطلع باشد. نقد ادبیات کودک نیز از این امر کلی پیروی می‌کند. از همین رو، ضروری است که منتقد ادبیات کودک از نظریه‌ها و رویکردهای ادبی اطلاعات همه‌جانبه داشته باشد، چون ادبیات به عنوان پدیده‌ای خاص در وجه عام خود از ویژگی‌هایی برخوردار است که ادبیات کودک را نیز در برمی‌گیرد؛ اما مخاطب خاص ادبیات و کودک، آن را از ادبیات بزرگسال جدا می‌کند و ویژگی‌هایی متمایز را برای آن رقم می‌زند و با به میان کشیده شدن «کودک» پای معرفت‌های مرتبط با وی - همچون روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و حقوق و ... - نیز به میان می‌آید.

آنچه در نظریه ادبی در قلمرو ادبیات کودک مهم است و سرشت و سرنوشت نقد ادبیات کودک را جهت می‌دهد و تعیین می‌کند و ویژگی‌های متمایز آن از ادبیات بزرگسال را رقم می‌زند، تعامل پیچیده‌ای است که همین معارف با ادبیات برقرار می‌کنند و به واقعیت ادبیات کودک تحقق می‌بخشند. نقد ادبیات کودک نمی‌تواند این تفاوت‌ها و تمایزات را نادیده انگارد. یکی از آسیب‌های جدی نقد ادبی در قلمرو ادبیات کودک این است که عمدتاً مبتنی بر شناخت عام و نظریه‌های ادبی بزرگسالانه استوار است و یا صرفاً از روان‌شناسی و تعلیم و تربیت بهره می‌برد. معضل انحلال یا استقلال ادبیات کودک در گرو درک ماهیت میان رشته‌ای آن است (اقبال زاده، ۱۳۸۷: ۱۲). بنابراین، لازم است نقد ادبیات کودک نهادینه شود و به شکل جریانی مستمر، فراگیر و مؤثر درآید. نقد، هنگامی نهادینه می‌شود که از نظر اجتماعی، فرآیندی مستقل از تغییر سیاست‌های فرهنگی و در یک کلام، حرکتی حرفه‌ای داشته باشد.

دههٔ چهل، همان‌گونه که در ادبیات بزرگسالان نقطهٔ تحول به‌شمار می‌آید، در ادبیات کودکان نیز سرآغاز دورهٔ جدیدی بود. در این دوره، ادبیات تألیفی و تصویرگری ایرانی در برابر ادبیات ترجمه و تصویرهای خارجی روندی رو به رشد داشت، با شاخصه‌های زیر:

الف. تألیف و بازنویسی (داستان و شعر): در این دوره رویکرد نویسندگان و شاعران، به جای تعلیمی و تہذیبی، رویکردی ادبی و تخیلی بود. شاعران و نویسندگان بر آن بودند که به دنیای کودکان و نوجوانان نزدیک شوند و آن را کشف کنند؛ اما تلاش‌های آنان تجربی بود، یعنی بر یافته‌های علمی و روان‌شناختی کودک چندان تکیه‌ای نداشت. برخی از مهم‌ترین زمینه‌های ادبی برای کودک و نوجوان در این دوره، داستان‌های واقع‌گرایانهٔ اجتماعی و سیاسی، با نمونه‌های برجسته‌ای مانند ماهی سیاه کوچولو، بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری، اولدوز و کلاغ‌ها و پسرک لبوفروش از صمد بهرنگی، و از این ولایت اثر علی‌اشرف درویشیان. شعر نیز در این دوره در قالبی هنرمندانه‌تر ظهور کرد. بهترین شاعر و نظریه‌پرداز شعر کودک در این دوره محمود کیانوش است که او را «پدر شعر کودک ایران» نامیده‌اند. پس از او می‌توان از پروین دولت‌آبادی نام برد. در زمینهٔ گردآوری و بازنویسی متون کهن و عامیانه، برجسته‌ترین نویسنده مهدی آذریزدی با مجموعهٔ قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب است که شهرت و اعتباری ویژه به دست آورد.

ب. تصویرگری: در این دوره جریانی برای خلق کتاب‌های تصویری پدید آمد که پیش‌تاز آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. فرشید مثقالی از برجسته‌ترین تصویرگران کتاب کودک فضای کار را در این دوره تجربی دانسته است (مثقالی، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۵).

ج. ترجمه: ترجمهٔ بعضی از آثار معتبر مشهور کودکان جهان به فارسی، در این دوره صورت گرفت، از جمله: آلیس در سرزمین عجایب، پینوکیو، شازده کوچولو، امیل و کارآگاهان، پی‌پی جوراب‌بلنده، قصه‌ها و افسانه‌های آندرسن، برادران گریم و شارل پرو، همچنین داستان‌های تخیلی ژول ورن. و نیز به ترجمهٔ کتاب‌های غیرتخیلی، مستند، علمی و مرجع نیز توجه شد.

د. مباحث نظری و تحقیقی: تحقیقات نظری، با تلاش محققان تعلیم و تربیت، با هدف تعلیمی - تہذیبی صورت گرفت. پیش از دههٔ چهل، نخستین کتاب نظری در زمینه ادبیات کودک، نوشتهٔ حسین احمدی پور (۱۳۳۵ش) است و در سال ۱۳۴۰ ش کتاب ادبیات کودکان علی اکبر شعاری‌نژاد منتشر شد که سال‌ها کتاب درسی بود و بارها تجدید چاپ شده است. در این دوره، تدریس «ادبیات کودکان» در دانشگاه و مراکز تربیت معلّم شکل گرفت و رفته‌رفته بررسی پژوهش و نقدهایی در این موضوع نوشته شد که بهترین نمونهٔ آنها شعر کودک در ایران، نوشتهٔ محمود کیانوش است.

ه. نشریات: سیر انتشار نشریات ویژهٔ کودکان در دههٔ چهل از شکل تجربی و نسبتاً عوام‌پسند به روندی حرفه‌ای‌تر تغییر یافت. مهم‌ترین جریان مطبوعاتی در این دوره، انتشار سلسلهٔ مجلات پیک است که با همکاری اهل قلمی چون محمود کیانوش، اسماعیل سعادت، ایرج جهانشاهی، محمود محمودی، فردوس وزیری، کریم امامی و نجف دریابندری منتشر می‌شد. بعدها، با اهمیت یافتن مباحث دینی، نشریهٔ پیام شادی، به‌عنوان مجله‌ای اسلامی شروع به انتشار کرد.

ز. سازمان‌ها و نهادها: از رویدادهای این دوره تأسیس یافتن سه نهاد مهم است که بخشی از عمده‌ترین فعالیت‌های هر یک پرداختن به ادبیات کودک و نوجوان است: شورای کتاب کودک (تأسیس در سال ۱۳۴۱، با همکاری کارشناسانی مانند توران میرهادی، لیلی ایمن، منصوره راعی) که با برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی، انتشار کتاب‌هایی درباره مباحث نظری ادبیات کودک و نوجوان و بررسی و معرفی کتاب‌های کودک و نوجوان به حرکت ادبیات کودک و نوجوان سرعت بخشید. این شورا نماینده IBBY (مؤسسه بین‌المللی کتاب برای نسل جوان) در ایران است، مرکز تهیه مواد خواندنی برای نوسودان (بعدها با نام مرکز انتشارات آموزشی) در سال ۱۳۴۳، از سوی وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد. انتشار سلسله مجلات پیک از مهم‌ترین فعالیت‌های این مرکز بود، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد و به عنوان کوشاترین مرکز تولید ادبیات و مواد خواندنی شروع به کار کرد و در کنار آن به تأسیس کتابخانه‌های متعدد در سراسر کشور همّت گماشت. (حجوانی: ۱۳۸۹، ۷۹).

بنابراین می‌توان برای ادبیات کودک در پیش از پیروزی انقلاب ویژگی‌های زیر را برشمرد:

۱- رمزی و استعاره‌ای بودن.

۲- افزایش آثار ترجمه‌ای.

۳- کمبود قصه‌های واقعی و افزایش افسانه‌ها.

۴- کمبود شعر و شاعران کودک.

۵- زبان و نثر نامناسب.

در سال‌های اول انقلاب، ادبیات کودک و نقد ادبیات کودک همچون یک جزیره مستقل و جدا افتاده به نظر می‌رسید. منتقدان ادبیات کودک، تقریباً چیزی جز ادبیات کودک و نوجوان نمی‌دانستند و بحث را کاملاً یک تخصص مستقل می‌دانستند و سایر متخصصان را افرادی می‌نامیدند که دارای تخصص‌های لازم برای اظهار نظر در مورد ادبیات کودک و نوجوان نیستند. تعدادی چهره شناخته شده و محدود، انگشت شمار داشتیم که به عنوان منتقد ادبیات کودک و نوجوان، در این مقطع صاحب نام شدند، آنان با شیفتگی خاص نسبت به ادبیات کودک و اهمیت حرفه‌ای خاص نسبت به این حرفه، فقط به ادبیات کودک می‌پرداختند، این حرفه برای اولین بار، به نحوی که در سال‌های پیش از انقلاب سابقه نداشته، به عنوان یک حرفه مستقل و یک حرفه خود بسنده ادراک شد؛ نقدها ترکیبی از رویکردهایی محتوای، تربیتی و عقیدتی بود. هم‌چنین رویکرد ادبی با معیارهای خاص ادبیات کودک و نوجوان، در این نقدها دیده شد (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۱: ۱۳).

در دهه اول پس از انقلاب، نویسندگان نسل جدید بیشتر با تکیه بر تجربه‌های خود و نه تجربه‌های نسل پیشین و یا مطالعه نظریه‌های ادبی، جسورانه می‌نوشتند و آثارشان گاه قوی؛ اما اغلب خام بود. در فضای جامعه انقلابی و دینی و در حال جنگ، بیشتر به موضوع مبارزه، مذهب، استقلال و وحدت و دفاع در برابر دشمن پرداخته می‌شد؛ اما رفته‌رفته توجه به ساختار ادبی و شکل هنری آثار جای محتواگرایی سال‌های اول را گرفت. هم در مضامین و هم در شیوه‌های ادبی تنوع ایجاد شد. بنابراین، ادبیات کودک و نوجوان همچون شاخه‌ای تخصصی در حوزه ادبیات مورد توجه قرار گرفت و بیشتر از روزن چشم کودک به جهان نگریسته شد. (حجوانی، ۱۳۸۹: ۸۵). در این دهه ادبیات کودک به سوی حرفه‌ای شدن حرکت کرد. نخست نویسندگان و

شاعران، تحت تأثیر انقلاب، جنگ و رویدادهای اجتماعی، بیشتر به طرف قلب واقع‌نما روی آوردند. اما به تدریج رویکرد به آثار «فانتزی» نیز رواج یافت. همچنین بیشتر از گذشته، آثاری تألیفی در قالبی که «رمان نوجوان» نام گرفت، نوشته و ترجمه شد. به دلیل فضای انقلاب، بسیاری از نیروهای نسل جوان، فرصت و میدان یافتند که آثار خود را به صورت کتاب یا مجله منتشر کنند و کیفیت و کمیت آثار را افزایش دهند. به موازات آن، توجه به ارزش‌های بومی و گنجینه‌های کهن ادب ایرانی نیز تقویت شد و باز نویسی و باز آفرینی ادبیات کهن رواج یافت. همچنین، در کنار آفرینش آثار ادبی ناب، رفته‌رفته نوعی مخاطب محوری و اعتنا به خواسته‌های آن نیز در میان نویسندگان شکل گرفت و گاه آثاری با تلفیق هر دو گرایش نوشته شد. این گرایش در برخی موارد از آفت سفارش‌نویسی، شتاب و توجه بیش از حد به خواسته‌های بازار آسیب دید. در این دوره نسبت تألیف به ترجمه افزایش یافت. برطبق آماری، این نسبت که در سال ۱۳۴۷ش، ۱۷٪ و در سال ۱۳۵۴ش ۲۷٪ بوده، در سال ۱۳۵۷ش به ۷۸٪ رسید، اما به تدریج تعدیل یافت و در سال ۱۳۶۷ش به ۵۰٪ رسید. گروهی از داستان‌نویسان و شاعران پیش از انقلاب فعالیت خود را پس از انقلاب نیز ادامه دادند و آثار قابل توجهی پدید آوردند. جریان نقد نیز، در سال‌های نخست، نسبت به پیش از انقلاب، رشد کرد؛ اما این جریان هنوز حرکتی تأثیرگذار و حرفه‌ای نبود. نقد بیشتر بازخوانی، معرفی یا تحلیل ساده‌ای از کتاب است که گاه مخاطب آن خود کودکان یا نوجوانان‌اند. به‌علاوه، نقد بیشتر بر داستان تمرکز داشت تا بر شعر و تصویر. (حجوانی، ۱۳۷۹: ۲۶-۳۰).

اما در دهه هفتاد؛ به نوعی منتقدان، یا نسل جدیدی از منتقدان شکل گرفتند که باور داشتند ادبیات کودک یک حوزه کاملاً مستقل و جزیره دور افتاده نیست. آنها متوجه بحث‌ها و گفتمان‌های موجود در سایر حوزه‌های فرهنگی شدند؛ برای همین شاهد شکل‌گیری نقدهایی در حوزه‌های مختلف تخصصی بودیم، از جمله: نقدهای زبان‌شناختی، اسطوره‌شناختی، سیاسی، تحلیل گفتمان، هرمنوتیک و ... به طور کلی، در این دوره با تغییرات چشمگیری در فضای نقد ادبیات کودک روبه‌رو هستیم. بیشتر افراد درگیر در این حیطه؛ اعتقادی به جدایی و بی‌نیازی ادبیات کودک؛ به سایر حوزه‌های علوم انسانی و فرهنگی نداشتند و به همین سبب، خیلی سریع نهضت ترجمه در ادبیات کودک شکل گرفت و کوشید جدیدترین و روزآمدترین تئوری‌های نقد ادبی و گفتمان‌های مختلف فرهنگ سیاسی، اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناختی را ترجمه کند و همچنین در جستجوی مصادیق و کارکردهای آن در حوزه ادبیات کودک باشد (کاشفی خوانساری: ۱۳۸۱، ۱۳).

این تغییر را می‌توان در سال ۱۳۷۳ اتفاقی مثبت تلقی کرد که فضای محدود و یکنواخت نقد ادبیات کودک را دگرگون کرد. از حدود سال ۱۳۷۳ به بعد، جریان نقد، متأثر از تحولات اجتماعی، روندی رو به رشد داشت. انتشار فصلنامه نظری پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و ماهنامه نقد و اطلاع‌رسانی کتاب ماه کودک و نوجوان، که بی‌وقفه منتشر می‌شدند و همچنین شتاب گرفتن انتشار آثار پژوهشی در این عرصه، از رویدادهای قابل توجه است. تصویرگری کتاب کودک نیز در این دو دهه، به سبب افزایش متون تألیفی و گسترش نشر در حوزه غیر دولتی و افزایش تعداد نشریات، رفته‌رفته گسترش یافت. مطبوعات در مجموع، از نظر کیفی در چند جهت رشد داشتند: تنوع بر اساس گروه‌های سنی، تخصصی شدن موضوعی، تقویت بخش علمی، تعامل بیشتر با مخاطب، اهمیت دادن به مخاطبان در تأمین مطالب نشریه، پرداختن به موضوعات مربوط به دختران و زنان، غلبه تألیف بر ترجمه و اهمیت دادن به نقد و معرفی کتاب. از نظر کمی، در سال‌های نخستین، تعداد نشریات چشمگیر؛ اما عمر اغلب آنها

کوتاه است. ولی رفته‌رفته از تعداد نشریات کاسته و به ثبات آنها افزوده شد. بین سال‌های ۱۳۶۷ تا حدود ۱۳۷۳، نوزده روزنامه و بیش از پنج نشریه صفحه ویژه یا ضمیمه کودک و نوجوان عرضه شد. اتفاق مطبوعاتی در این برهه انتشار نخستین روزنامه خاص نوجوانان ایران به نام آفتاب‌گردان است که بیش از یک سال دوام نیاورد. تا این سال‌ها هنوز عارضه جوانمرگی مطبوعات کودک و نوجوان معضلی اساسی است و چنین وضعیتی تا حدی ریشه در سودآور نبودن و دولتی بودن این قبیل نشریات داشت. پیشرفت‌های ادبیات کودک ایران کمتر موهون آموزش و پرورش رسمی و دانشگاهی بوده است، تلاش‌های آموزشی در این دوره نیز بیشتر در فضاها و نهادهای غیررسمی یا شبه‌رسمی، مانند حوزه هنری، شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از طریق نشست‌های داستان‌خوانی و شعرخوانی و کلاس‌های آموزشی شکل می‌گرفت. (حجوانی، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۲).

درباره تشکلهای غیردولتی نیز می‌توان گفت که در دهه نخست، تشکلهای معدودی پا گرفتند که براساس احساس نیاز واقعی، روح جمعی، بینش تشکیلاتی و تجربه اجرایی اداره نمی‌شدند و از این‌رو دوام نیاوردند. در دهه دوم، شرایط متفاوت شد و تشکلهایی همچون «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» و «انجمن قلم ایران» تأسیس شدند و در ایجاد ارتباط بین نویسندگان مؤثر افتادند. همچنین مقدمات تأسیس تشکلهای دیگر، همچون «انجمن تصویرگران کتاب کودک»، فراهم شد. برای نظارت بر چاپ و انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان، که پیش از انقلاب ضابطه‌مند نبود، پس از انقلاب ضوابطی تعیین شد. اداره‌ای در وزارت ارشاد امر بررسی و صدور مجوز برای کتاب‌های کودک و نوجوان را عهده‌دار شد. نکته قابل ذکر دیگر رشد جشنواره‌ها و نهادهای انتخاب آثار برتر است. (حجوانی، ۱۳۷۹: ۴۰).

پیش از انقلاب، فقط شورای کتاب کودک در کار بررسی و معرفی آثار برتر جدی بود؛ اما پس از انقلاب، وزارت ارشاد نهادی برای انتخاب کتاب سال در همه رشته‌ها و از جمله کتاب کودک و نوجوان دایر کرد. سپس مجله‌هایی همچون سروش نوجوان، سوره نوجوان و سلام بچه‌ها به آثار برتر داستان و شعر جایزه دادند. نمایشگاه آثار تصویرگران کتاب کودک نیز در هر دوره، آثار برتر تصویرگران ایرانی و خارجی را برگزید. همچنین کانون پرورش فکری دو جشنواره «کتاب کودک و نوجوان» و «مطبوعات کودک و نوجوان» را برپا کرد. جشنواره مطبوعات وزارت ارشاد نیز بخشی را به کودک و نوجوان اختصاص داد. معمولاً، در کنار هر یک از این جشنواره‌ها، همایش‌ها و سمینارهایی نیز برگزار می‌شد؛ گرچه برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها به طور مستقل نیز در این دو دهه رواج یافت. در طی این دو دهه، ادبیات کودک و نوجوان ایران به عنوان شاخه‌ای مستقل و معتبر در حوزه ادبیات تثبیت شد و به میانه راه حرفه‌ای شدن رسید (حجوانی، ۱۳۷۹: ۴۲-۴۴).

جایزه بهترین پژوهش‌های سال ۱۳۷۸- در زمینه نقد- به دو اثر از محمدهادی محمدی (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان و فانتزی در ادبیات کودکان) اختصاص یافت. انتشار شش جلد کتاب تاریخ ادبیات کودکان به همت بنیاد پژوهشی تاریخ در سال- های آغازین دهه هشتاد نویدبخش تحرک تئوریک بزرگی در کار ادبیات کودک بوده است. می‌توان گفت که در دهه هشتاد، ادبیات کودک پربارتر و پر دامنه‌تر از هر عصر دیگری بوده است؛ ولی هنوز راه نرفته، بسیار است و سبک‌ها و اندیشه‌های فراوانی در انتظار آفرینش و پیدایش به سر می‌برند.

دو ویژگی عمده و تأثیرگذار از ویژگی‌های نقد و نظریه امروز ادبیات کودک در ایران رشد نقد زن‌گرا و فعال شدن دانشگاه در این عرصه است. شاید بتوان گفت که رشد جنبش‌های زنان، هم به سود مردان و هم به سود کودکان است. به این ترتیب می‌توان رشد نقد و نظریه زن‌گرا در ادبیات کودک و به طور کلی حضور فعال زنان در این قلمرو را نشانه‌ای از پیشرفت در نقد و نظریه ادبیات کودک به شمار آورد. حضور دانشگاه نیز، به ویژه در دهه جاری، در حیطه نقد و نظریه ادبیات کودک چشمگیر بوده است. اهمیت این پدیده از این روست که از یک سو نشان می‌دهد که فاصله گرفتن از شیوه‌های شخصی و سلیقه‌ای و روی آوردن به ملاک‌های نوین در نقد و نیز به ثمر رسیدن تلاش‌های فکری برای پرداختن نظریه و همچنین انجام پژوهش‌های مؤثر، بدون روش‌های دانشگاهی امکان‌پذیر نیست (خسرونژاد، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۲).

به طور کلی می‌توان برای ادبیات کودکان پس از پیروزی انقلاب خصوصیات زیر را برشمرد:

۱- افزایش عناوین کتاب‌های منتشر شده.

۲- پیشی گرفتن تألیف کتاب‌ها بر ترجمه آثار.

۳- افزایش شعر و شاعران کودک.

۴- تغییرات محتوایی کتاب‌ها.

۵- تحولات زبانی.

سرشار، روند ادبیات کودکان و نوجوانان را در بعد و قبل از انقلاب این‌گونه ارزیابی می‌کند:

۱- افزایش تعداد عناوین جدید در هر سال.

۲- زیر و رو شدن نسبت تألیف به ترجمه.

۳- تغییر جهت محتوای آثار ترجمه‌ای.

۴- پایان دوران رونق رمزی (استعاره‌ای) نویسی.

۵- افزایش داستان‌های واقعیت‌گرا.

۶- نقش کودکان و نوجوانان در خلق آثار ویژه خود.

۷- افزایش شگفت‌انگیز شمارگان کتاب‌ها.

۸- تنوع موضوع‌ها در پس از انقلاب (سرشار، ۱۳۸۸: ۱۹).

به طور کلی، بنابر تعبیر خسرونژاد امروزه ادبیات کودک، نوجوان است. ادبیات کودک ما پس از عبور از یک مرحله رشد عینی، اینک توان تفکر نظری یافته و به کنکاش در ماهیت و هویت خویش پرداخته و همان‌گونه که نوجوان چنان که مجال یابد، امکان داشته باشد سیر طبیعی خویش را بیپیماید و در نهایت فردیت خویش را باز می‌یابد؛ ادبیات کودک نیز چنانچه مجال

یابد و امکان داشته باشد، و مسیر رشد طبیعی خویش را بیماید موفق خواهد شد، فردیت خویش را در مقابل ادبیات و هم ادبیات بزرگسال باز یابد (خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۱۷).

۷-۱. کانون‌های تولید و نقد ادبیات کودک در ایران

۱-۷-۱. نهادها، سازمان‌ها

۱-۱-۷-۱. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ابتدا در سال ۱۳۴۵ به صورت مؤسسه‌ای نیمه‌دولتی و با هدف پرورش ذوقی کودکان از طریق مواد خواندنی تأسیس شد و با در اختیار داشتن نیروهای فعال متشکل از نویسندگان، مترجمان و نقاشان، کتاب‌های مناسب و زیبایی فراوانی تهیه و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار داد. از جمله نویسندگان این دوره که به تولید کتاب کودک دست یازیده‌اند باید صمد بهرنگی، نادر ابراهیمی، فریده فرجام و ... را نام برد. در سال‌های بعد فعالیت در زمینه ادبیات کودک بیشتر شد، چرا که رشد روز افزون جمعیت، افزایش تعداد جوانان، بالا رفتن درصد دانش‌آموزان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی توجه به کودکان و نوجوانان را افزایش داد (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۲).

وظایف کانون بدین شرح است: تأسیس مراکز عرصه کتاب و آموزش‌های فرهنگی و هنری مخصوص کودکان و نوجوانان در نقاط مختلف کشور، کمک به توسعه و تکمیل کتابخانه‌های عمومی و سایر مؤسسات برای ایجاد بخش‌های مخصوص کودکان و نوجوانان، تهیه و استفاده از وسایل سمعی و بصری، تدارک وسایل آموزشی، تولید و خرید و توزیع و نمایش و فروش فیلم‌های سینمایی مخصوص کودکان و نوجوانان، همکاری با کلیه مؤسسات ایرانی و غیر ایرانی که با کانون هدف‌های مشابه دارند و هر گونه اقدامات دیگری که وصول هدف‌های کانون را تسهیل نماید. فعالیت‌های کانون بسیار وسیع و متنوع است. مانند: فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های گروهی، آموزش هنرهای نمایشی، آموزش هنرهای تجسمی، آموزش معارف اسلامی (حجازی، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در چند شاخه مختلف فعالیت خود را به کودکان و نوجوانان ارائه نمود:

الف). به عنوان ناشر به تألیف و تصنیف و انتشار کتاب کودک مبادرت نمود و الگوهای جدیدی در کار تولید کتاب و سایر فرآورده‌های فرهنگی خاص کودکان به جامعه ارائه کرد که از آن جمله کتاب‌هایی با قطع خاص کودکان، کیفیت هنری برتر، رعایت سپیدخوانی، اندازه مناسب حروف، ویراستاری و همچنین نوارهای موسیقی، قصه و شعرخوانی خاص کودکان و نوجوانان است.

ب). تأسیس کتابخانه‌های عمومی خاص کودکان و نوجوانان با واحدهای ثابت و سیار روستایی یکی دیگر از فعالیت‌های کانون پرورش فکری بود. برای بسیاری از کودکان روستایی و عشایری ایران وجود کتابخانه‌ای فعال که علاوه بر ارائه کتاب به سایر فعالیت‌های کتابخانه‌ای نظیر نمایش فیلم و اسلاید، برنامه‌های قصه‌گویی و تئاتر عروسکی پردازد، تجربه‌ای استثنایی بود.

ج). سرمایه‌گذاری برای تولید فیلم برای کودکان و نوجوانان از جمله فعالیت‌های مفید کانون بود. اولین جشنواره فیلم کودک توسط کانون در سال ۱۳۴۷ برگزار گردید. تولیدات سینمایی کانون در حوزه کودکان و نوجوانان نیز اولین نمونه‌ها در این حوزه به شمار می‌آید.

د). تئاتر برای کودکان نیز با فعالیت‌های کانون به‌طور جدی آغاز شد و نمایش نامه‌های خاص کودکان و نوجوانان نوشته و به صورت عروسکی یا زنده به روی صحنه آمد که برخی از آنها به صورت نوار کاست و تله تئاتر ضبط گردید. در سال ۱۳۵۸ اساس نامه کانون تغییر یافت و به یک سازمان دولتی تبدیل شد و هم اکنون زیر نظر وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شود. که نمایندگان وزارتخانه‌های علوم، اقتصاد، آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و سرپرست صدا و سیما در هیأت امنا حضور دارند. هدف کانون در ساختار جدید، ایجاد امکان لازم جهت رشد و پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شکوفایی استعدادهای آنان بر اساس ارزش‌های اسلامی است. همچنین کتابخانه مرجع کانون یکی از مراکز مهم اطلاع‌رسانی و پژوهشی ادبیات کودکان است (بی‌نام، ۱۳۸۹: ۲۱).

۱-۷-۲. شورای کتاب کودک

شورای کتاب کودک، سازمانی است فرهنگی، غیردولتی، غیرانتفاعی که در دی ماه سال ۱۳۴۲ به همت گروهی از نویسندگان، مصوران، ناشران، کتابداران، معلمان و متخصصان تعلیم و تربیت علاقه‌مند به کتاب کودک به وجود آمد. شورای کتاب کودک عامل مؤثری در ترویج ادبیات کودکان به حساب می‌آید. این شورا، کتاب‌های مناسب کودکان را بررسی و انتخاب کرده و در این باره جلسات و بحث‌ها و نمایشگاه‌هایی را برگزار می‌نماید. این شورا همچنین با ارائه فهرست‌هایی از کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان در هر سال، بر کیفیت کتاب‌های کودکان اثر می‌گذارد و دنیای کودکان ایرانی را پر بار می‌سازد (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۷). هدف این شورا توسعه کتاب‌خوانی میان کودکان، توسعه ادبیات ملی برای کودکان و کمک به گردآوری کتاب‌های مناسب است. شورای کتاب کودک عضو «دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان» است. و اعضای شورا همواره نقش فعالی به عنوان عضو هیئت مدیره یا عضو هیئت داوران جایزه آندرسن بر عهده داشته‌اند.

اهداف این شورا عبارتند از: کمک به شکوفایی ادبیات اصیل ایرانی برای کودکان و نوجوانان، کمک به بهبود کیفی و کمی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، کمک به دسترسی تعداد هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان ایرانی به کتاب و خواندن‌های مناسب.

فعالیت‌های شورا عبارتند از: بررسی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، برگزاری کارگاه‌ها، کار روی کتاب‌های مناسب کودکان با نیازهای ویژه، همکاری با سازمان‌های غیردولتی ایرانی که در زمینه کودکان فعالیت می‌کنند، برگزاری جلسات و سمینارهای مربوط به کودکان، تشکیل انواع نمایشگاه‌های کتاب، نشر گزارش و فهرست کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان، اهدای جوایز به کتاب‌های برگزیده سال، روابط بین‌المللی و فرهنگنامه. شورای کتاب کودک و نوجوان در سال ۱۹۶۴ میلادی / ۱۳۴۳ شمسی به عضویت IBBY در آمده است (حجازی، ۱۳۸۴: ۲۵۰).